

مخالفت

با احادیث مهدی موعود

از کجا سرچشمه گرفته ؟

در شماره سابق یاد آور شدیم که روایات اهل تسنن راجع به مهدی موعود اسلام که از دودمان پینمبر اکرم و امیر مؤمنان و حضرت زهراء علیهم السلام میباشند ، بحد «تواتر» رسیده است . باین معنی که ملاحظه آن همه اخبار که در کتب معتبر آنان در این باره وارد شده ، تردیدی برای کسی باقی نمی گذارد که ظهور چنین موعودی نزد اهل تسنن قطعی است و جای شك و تردید نیست .

با وجود این ، بسیار جای تأسف است که برخی از افراد آنان صرفاً باین جهت که جامعه شیعه ، مهدی موعود را امام دوازدهم خود میدانند ، باین سلسله اشکال تراشیدها به رد و نقض احادیث صحیح و معتبر کتابهای مشهور خود پرداخته و تا سرحد انکار اصل موضوع گام برداشته اند !

مخالفین این طرز فکر چه کسانی هستند ؟

تا آنجا که ما تحقیق کرده ایم در عصر اخیر سه تن از علمای مصر بیش از همه در این زمینه اصرار ورزیده و افکار اهل تسنن و سایر مردم را نسبت بموضوع «مهدویت» مشوب ساخته اند . این سه تن فرید و جدی و سعد محمد حسن ، و احمد امین هستند که به ترتیب در کتابهای خود «دائرة المعارف» ماده «سلم» و «مهد» و «المهدیه فی الاسلام» و «المهدی والمهدویه فی الاسلام» و «ضحی الاسلام» با کمال بی انصافی و با دیده بدبینی با احادیث مهدی موعود اسلام نگریسته اند .

این عده چنانکه خود اعتراف دارند ، تحت تأثیر نوشتهها و طرز تفکر دو تن از علمای پیشین و معروف خود یعنی ابن حزم اندلسی و ابن خلدون مغربی قرار گرفته اند ، بطوریکه باید گفت جز تکرار گفتار آنان متاعی بی بازار نیآورده اند . از اینرو ما نیز در این مورد توجه خود را فقط بسختان و معرفی این دو دانشمند مشهور سنی معطوف میداریم .

ابن حزم اندلسی

بنظر ما و بر اساس بررسیهایی که نموده ایم ؛ زمزمه مخالفت با موضوع مهدویت و اینکه مهدی موعود اسلام فرزند امام حسن عسکری (ع) است ، از ابن حزم اندلسی متوفای سال ۴۵۶ هجری سرچشمه گرفته است . چه وی در کتاب «الفصل» که در عقائد و مذاهب نوشته است ، طبق

روش ناپسند خود؛ اعتقاد شیعه را نسبت بمسئله امام زمان و مهدی آل محمد صلوات الله علیه سخت مورد نکوهش قرار داده و تهمت‌هایی ناروا در این خصوص از خود بیادگار گذارده است. بگفته ابن حجر عسقلانی دانشمند نامی اهل تسنن در «لسان المیزان» جلد ۴ صفحه ۱۹۸، ابن حزم در آغاز کار وزیر خلیفه اموی اندلس بود، سپس ترك منصب گفت و به تحصیل علوم دینی پرداخت. نخست پیرو مذهب مالکی بود، سپس شافعی شد، و بعد بمذهب داود ظاهری رئیس اخباریان سنی گروید، و سرانجام بواسطه طغیان روحی و استبداد رأی و جمود فکری از همه برید و دم از استقلال و برتری نسبت بر رؤسای چهار مذهب زد! و در کتابهای خود با همه آنها در افتاد و نظریات و آراء عجیبی اظهار داشت...

فقهای اهل تسنن نیز او را گمراه دانستند، و شدیداً مورد سرزنش و تنبیخ قرار دادند. مردم را از تماس با وی بر حذر داشتند، کتابهایش را تحریم کردند و حتی در ملاعام طعمه حریق ساختند. از سخنان معروف ابن حزم یکی اینست که میگوید: «ابن ملجم قاتل حضرت امیر مؤمنان (ع) در کشتن آنحضرت به اجتهاد خود عمل نموده و از این رو مسئول و گناهکار نیست!!» بنا بر این سخنان ابن حزم با چنین طرز فکری که دارد، درباره امام زمان شیعه چیزی نیست که قابل بحث و بررسی و جوابگویی باشد، و چه بهتر که پاسخ او را بخود اهل تسنن محول کنیم.

ابن خلدون

دانشمند دیگری که با دیده بدبینی به روایات اهل تسنن درباره «مهدی موعود اسلام» نگاه کرده است «ابن خلدون» هم وطن ابن حزم و مورخ معروف اهل سنت متوفای سال ۸۰۸ هجری می باشد. ابن خلدون در کتاب «مقدمه» مشهور خود با اصرار زاید الوصفی افکار اهل تسنن را نسبت به واقعیت «مهدی موعود» آشفته ساخته است. این نمط‌های ناهنجار نیز مدرک تنی چند از نویسندگان معاصر و روشن فکر اهل سنت قرار گرفته و متأسفانه با نشر آن اذهان مسلمانان را از توجه باین حقیقت منحرف ساخته اند.

ابن خلدون در فصلی تحت عنوان «گفتگو درباره مرد فاطمی» ۲۳ صفحه را به بحث و بررسی قسمتی از روایات اهل سنت پیرامون مهدی آخر الزمان؛ اختصاص داده و به تفصیل در آن باره سخن گفته است. در صورتیکه روایات مهدی منحصر بچند حدیث مورد استشهاد وی نبوده است. تازه برخی از آن چند حدیث هم یا ضعیف و معمول است و یا مبهم و نامفهوم می باشد و در نظر علمای شیعه نیز چندان قابل استناد نیست تا چه رسد بعلمای سنی آنهم ابن خلدون اشبیلی ۱.

ابن خلدون در بحث از «تصوف» نیز بدون تناسب عقیده شیعه را نسبت بائمه اطهار و موضوع مهدویت پیش کشیده و بالحن زنده ای بنظر خود تخطئه کرده است.

جالب ترین نکاتی که در بررسیهای ابن خلدون نسبت بموضوع (مهدی موعود) و در این عقیده دیده میشود سه چیز است که ذیلاً از لحاظ خوانندگان میگذرانیم:

۱ - میگوید محدث معروف اهل سنت محمد بن اسماعیل بخاری اخبار مهدی را در کتاب

«صحيح» خود نقل نكرده است .

۲ - نام مهدی در قرآن ذکر نشده است .

۳ - بعضی از روایات مهدی را محدثان نامی «ترمذی» در «صحيح» و «ابوداود» در «سنن» از عاصم بن ابی النجود نقل کرده اند که وی هم حافظه اش ضعیف بوده و او را بن علیه نقل میکند که گفته است «هر کسی نامش «عاصم» است ، بد حافظه است» و یحیی قطان گفته است : هر مردی را بنام «عاصم» یافتم بد حافظه بود ، ! ! .

چرا اخبار مهدی در صحيح بخاری نیامده ؟

در پاسخ مطلب نخست توضیح میدهم که طبق نوشته خطیب بغدادی و دیگران ، بخاری در ضبط و حفظ حدیث لا ابالی و بی قید بود ، و صحيح او را بعد از مرگش پاک نویس و تهذیب کردند . ابن حجر در «فتح الباری» شرح صحيح بخاری» گفته است علماء ۱۱۰ حدیث بخاری را مورد انتقاد قرار داده و ۸۰ نفر از او یاران او را ضعیف و غیر قابل اعتماد بشمار آورده اند ! (۱)

ثانیاً بگفته حاکم نیشابوری محدث مشهور سنی در «مستدرک» جلد ۱ صفحه ۳ بخاری نگفته است : هر حدیثی که در «صحيح» او نبود صحيح نیست . ثالثاً پیشوای محدثین اهل سنت ، احمد حنبل قسمتی از اخبار مهدی موعود را در «مسند» خود نقل کرده است .

«وسبکی» در «طبقات الشافعیه» جلد ۱ صفحه ۲۰۱ مینویسد : «مسند احمد حنبل یکی از پایه های معتقدات مسلمانان است» و «سیوطی» در مقدمه جمع الجوامع ، صاحب «کنز العمال» در جلد ۱ صفحه ۳ نیز مینویسد **کمال مافی مسند احمد حنبل فهم مقبول** یعنی : آنچه در مسند احمد حنبل است مورد قبول اهل تسنن میباشد .

بعلاوه در سایر مصحاح و کتب معتبر اهل تسنن ده ها روایت صحيح و پر ارزش ، راجع بموضوع **مهدی آل محمد (ص)** آمده است ، که بگفته کنجی شافعی بحد تو اثر رسیده و جای شکی برای کسی نمیکند .

اکنون باید از ابن خلدون پرسید تکلیف این کتابها که احادیث «مهدی» را نقل کرده اند چیست ؟ آیا همه را باید بدور افکند و فقط صحيح بخاری را گرفت ؟ دشمنی بخاری با خاندان پیغمبر تا آنجاست که در «صحيح» خود از کسانی امثال معاویه ، سمره بن جندب ، مروان حکم ، عمرو عاص و عمر بن حسان خارجی ده ها روایت نقل کرده است ، ولی از امام حسن مجتبی نوه پیغمبر (ص) و امام صادق و امام موسی کاظم و حضرت رضا و حضرت جواد ، حتی از امام هادی و عسکری علیهم السلام که هم عصر او بوده اند ، يك روایت هم نقل نکرده است ! علیهذا اینکه بخاری روایات مهدی موعود را نقل نکرده است ؛ خود دلیل روشنی است که تعصب بوی اجازه نمیداده روایات مهدی را که بفتح شیعه تمام میشده است در کتاب خود بیاورد .

(۱) برای اطلاع از چگونگی تدوین صحيح بخاری و ارزش روایات آن بکتاب «اضواء

علی السنة المحمدیه» ص ۲۴۷ مراجعه کنید .

چرا نام مهدی در قرآن ذکر نشده ؟

باید از ابن خلدون و کسانی که این سخن بی مورد را از وی پذیرفته و نقل کرده اند پرسید: آیا اسامی خلفا در قرآن ذکر شده است ؟ آیا خصوصیات مناسک حج، و عدد رکعت های نمازهای پنجگانه و نصاب زکوة و امثال این واجبات و فرائض صریحاً در قرآن آمده است ؟ بدیهی است که جواب منفی است . قرآن بخصوص در اصول عقائد غالباً بمسائل کلی پرداخته است و جز در موارد استثنائی آنهم در فروع احکام و امور اخلاقی بذکر خصوصیات نمی پردازد . بعلاوه آیاتی در قرآن مجید هست که علمای واقع بین اهل تسنن هم دلالت آنها را بر وجود مهدی موعود اسلام و غیبت او و ظهور وی و اصلاح جهان بوسیله او پذیرفته اند ، و بخواست خداوند در جای خود شرح خواهیم داد .

هر کس نامش «عاصم» است بد حافظه است !

ابن خلدون این مطلب را از ابن علیہ و یحیی قطان نقل میکند ، آنهم درباره دانشمند عالمقامی چون **عاصم بن ابی النجود** که امروز مسلمانان جهان قرآن مجید را طبق اسلوب متین و روش قرائت او میخوانند . جالب اینجاست که ابن خلدون در همین بحث از حاکم نیشابوری و ابونعیم اصفهانی و سایر بزرگان نقل میکند که عاصم را پیشوای علمای اسلام بشمار آورده و گفته اند تمام روایات او صحیح است ! و مفاخر اهل تسنن او را در نقل حدیث راستگو میداند !! بنا بر این باید دید چرا «عاصم» با دقتی که در حفظ نکات قرائت قرآن و روایات مربوط بان داشته ، وقتی با حدیث مهدی رسیده ، بد حافظه شده است ؟ و باید دید ابن علیہ و یحیی قطان درباره سایر علما که نامشان «عاصم» بوده است هم این حرف را زده اند ؟ بدیهی است که اگر «عاصم بن ابی النجود» روایات مهدی خاندان پیغمبر (ص) را نقل نمیکرد ، دچار این بد حافظه گی نمیشد !

اعتراف و بدبینی

ابن خلدون در آغاز فصلی که درباره «مرد فاطمی» باز کرده و در پیرامون روایات آن قلمفرسائی نموده است مینویسد :

«بدانکه مشهور میان تمامی ملت اسلام در گذشت اعصار این بوده که باید در آخر الزمان مردی از اهلیت پیغمبر (ص) ظهور کند و دین اسلام را تأیید نماید ، و عدالت عمومی را آشکار سازد ، و مسلمانان از وی پیروی کنند ، و او بر کشورهای اسلامی تسلط یابد ؛ این مرد «مهدی» نامیده شده است ... علمای اهل سنت در اثبات این مطلب استدلال با حدیثی میکنند که پیشوایان محدثین نقل کرده اند !! و با این وصف جای تعجب است که چگونه وی موضوع مشهور و مورد توجه پیشوایان علمای سنت و جماعت را نادیده گرفته . و از پذیرفتن این حقیقت سر باز زده است ! البته از این حزم و ابن خلدون که مرد و از مردم اندلس (اسپانیا) و در قلمرو نفوذ بنی امیه و آخرین نقطه دنیای اسلام بسر برده اند و تماسی با طرز فکر شیعیان درباره مهدی موعود و ذخائر علمی شرق اسلامی نداشته اند ، نباید بیش از این توقع داشت .

استعمال مسواک در اسلام

در مجله اخبار پزشکی در بخش تازه‌های دندانپزشکی (شماره هشتم فروردین ۱۳۶۶) که با همکاری دانشکده دندان پزشکی تنظیم میگردد مقاله‌ای در باره اهمیت « مسواک کردن در اسلام » تحت عنوان « استعمال مسواک (۱) در اسلام » نگاشته شده که از نظر اهمیت موضوع بدرج آن مبادرت میگردد .

هر موقعیکه تاریخ بهداشت دهان و دندان مورد مطالعه قرار میگردد استعمال مسواک بوسیله پیروان اسلام ، جای‌همی در اسباب و وسائل قدیمی و بسیار مؤثر بهداشت دهان دارد روزنیک Ravnik در یک مطالعه و بررسی روی بهداشت دهان و دندان در مشرق زمین گزارشی روی استعمال مسواک تهیه نموده .

« مسواک » یک کلمه عربی است که هم‌منای ما ساز دادن بایک چوب جنکلی سفت و هم‌معنای خود چوب مورد استعمال برای این منظور امیدهد این چوب بطور متوسط یک سانتیمتر قطر دارد معمولاً از ساقه و ریشه های سالوادرا پرسیکا *Savadora-persica* گرفته و تهیه میشود این گیاه بصورت بوته در قسمتی از خاورمیانه مخصوصاً در اطراف مکه ، پیدا میشود این چوب هم چنین ممکن است از درخت‌های نخل یا زیتون تهیه شود .

قبل از اینکه مسواک مورد استعمال استفاده قرار گیرد آنرا بمدت ۲۴ ساعت یا بیشتر در آب می‌خیسانند تا فیبر ورشته‌های آن از هم مجزاشود ، سپس مسواک مزبور امیزند تا آنجائیکه پوست روی آن کنده و خارج شود .

رشته‌های مسواک دارای بی‌کربنات سدیم و یک ماده روغنی میباشد ، شاگردان علوم اسلامی عقیده دارند که این ترکیب روغنی لثه‌های اطراف دندان را محکم و تقویت می‌کند .

مراسم مذهبی و عبادات چندی وجود دارد که هر مسلمانی مجبور است پیروی کرده و انجام دهد ، ولی استعمال مسواک اختیاری میباشد در قرآن کریم صحبتی از استعمال مسواک نشده است ولی در احادیث پیامبر اسلام حضرت محمد است ، در بعضی احادیث صحبتی از استعمال مسواک بمیان آمده است برای مثال می‌گوید :

« اگر برای پیروان امت من سخت نبود دستور میدادم که هر کس مسواک را بعد از هر نماز استعمال نماید » .

محدثان اسلامی مانند نسائی و هم‌چنین احمد حنبل در کتابش بنام « مسند » ذکر کرده اند که حضرت محمد مسواک را بعد از بیدار شدن هنگام صبح ، قبل از استراحت ، و هر موقعیکه وارد

(۱) منظور چوب معروف (اراک) است

خانه‌میشد یا خارج‌میشد استعمال میکرد مسواک را نیز هم‌چنین در طول ماه مبارک رمضان در هنگام صبح یا شب و هنگام نماز استعمال میکنند .

موقعیکه شخصی بدون دندان است استعمال مسواک را قطع می‌کند و انگشت سبابه را برای ماساژ بافت‌های باقیمانده روی استیغ فك بکار میبرد .

روش و تکنیک استعمال مسواک بدین قرار است، مسواک آماده‌شده را مقابل‌لثه‌های پائین قراردادده بطوریکه رشته‌های آن بطور افقی قرار گیرد؛ سپس آن را بطور گردشی و دورانی حرکت داده تا به لثه‌های فك بالاتر حاصل نماید، سپس آن را مابین دندانها قراردادده و حرکت افقی به آن میدهند .

* * *

نگارنده ۱۰ بیمار را که بطور مرتب مسواک را استعمال میکردند مورد مطالعه قرار داده و رشد و نمو بیرون آمدن مسخ دندانهای آنها ابراز یون و سائیدگی مشخص در سطوح لبیان و بوکال با مقادیر مختلف از فرورفتگی نشان میداد .

مقدار کمی پوسیدگی دندانی وجود داشت و ۲ نفر از بیماران دندانهای کاملی بعد از سن ۷۰ سالگی داشتند .

معلوم نشده است که آیا اعراب پیش از اسلام ، مسواک را استعمال میکردند ، یا خیر ، ولی محققاً حضرت محمد از ش مسواک را آشکار کرد و به پیروانش اصرار نمود که آنرا استعمال نمایند .

گام دیگری در راه معرفی شیعه

در شماره مخصوص سال هفتم مجله مقاله جامعی در باره معرفی مذهب

شیعه به زبان زنده دنیا فارسی ، عربی . انگلیسی انتشار یافت که چون بسبک

تاز و کاملاً جالب تهیه شده بود همه جا با استقبال فوق العاده مواجه گردید و از

نقاط مختلف کراراً با پیشنهاد کردند که این مقاله بطور مستقل چاپ و انتشار یابد

اخیراً به برداشتن این گام مؤثر و مفید توفیق یافتیم و تعداد ۴۵۰۰ نسخه

از مقاله مزبور را پس از تجدید نظر و تکمیل : بچهار زبان (فارسی ، عربی ،

انگلیسی ، و ترکی استانبولی) چاپ نموده و رایگان در اختیار عموم

قرار داده‌ایم

نسخه‌های عربی آن در کشورهای عربی ، نسخه های انگلیسی در

کشورهای اروپائی و آمریکائی منتشر میشود فارسی و ترکی آن در نقاطیکه

مجله مکتب اسلام

بزبان فارسی و ترکی آشنائی دارند